

در نظام سیاست‌گذاری اقتصاد ایران، هنوز صورت‌بندی قابل‌اجماعی برای آن مقصد نداریم؛ یعنی در بین سیاست‌گذاران و نهادهای عالی کشور، در بخش زیادی از نبایدها اجماع نظر هست، اما در مورد اینکه آن مقصدی که می‌خواهیم به آن برسیم دقیقاً چه شاکله و شمایی دارد، اجماع نظر نیست. به نظر من ضعف جدی آنچه به عنوان سند الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت منتشر شد، این بود که برای ما تصریح نمی‌کرد به چه نقطه‌ای خواهیم رسید.

گویا شرط بازگشت به جمهوری اقتصادی یا دلالت مفهوم جمهوریت برای اقتصاد ایران این شده بود که دولت، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری اقتصاد کشور را به دست افرادی بیرون از آن شبکه ارتباطی شکل گرفته و پابرجا بسپارد تا امکانی برای پیگیری منافع عمومی باز شود؟

بله، و از این راه، ساختارها و سیاست‌هایی را در پیش بگیریم که آرام‌آرام حرکت در مسیری را که به سمت پرتگاه می‌رفت، به سمت حفظ و ثبات اقتصادی پیش ببریم؛ این دوتا است: یکی کارگزاران و افراد خاص و دیگری سیاست‌ها. در تفسیری که شما پیش از این ارائه کردید، گفتید سیاست‌های اقتصادی رایج نمی‌توانست مفهومی مثل خیر عمومی را در اقتصاد ایران نمایندگی کند؛ چون سیاست‌گذارانش در شبکه محدودی قرار گرفته بودند و اقتصاد سیاسی ویژه‌ای را دنبال می‌کردند. حالا ممکن است خواننده پرسد چه تضمینی است که این افراد جدید منافع عموم مردم را نمایندگی کنند؟ یعنی به صرف جابه‌جایی افراد، چرا این تضمین باید به وجود بیاید؟

حتماً به وجود نمی‌آید. من از کفایتش دفاع نمی‌کنم، اما بر لزومش باور دارم. صرف تغییر آن کارگزاران که دست‌اندرکار هستند موجب تغییر مسیرها نمی‌شود، مگر اینکه کارگزاران جدید در مورد نوع نسبت اقتصاد و دولت با مردم و منافع عمومی مردم، نگرش جدیدی داشته باشند و بتوانند نشان بدهند که این نگرش در بلندمدت به منفعت عامه مردم نزدیک‌تر است.

پس گزیری از جایگزینی این افراد هم نبود تا از این راه بشود اقتصاد سیاسی دیگری برای اقتصاد ایران در پیش گرفت و منافع اقتصادی جمهور مردم، نقطه کانونی اهداف اقتصادی کشور شود.

بله، گزیری نبود. صرف جایگزینی هم مسئله را حل نمی‌کرد. به نظر می‌رسد در این دولت وجوه تشابه عمیقی بین این کارگزاران وجود دارد تا اختلافات سطحی به این منجر نشود که ما چند مسیر واگرا داشته باشیم.

منظورم این بود که گویا امروز به معیارهایی نیاز داریم که توجه داشته باشیم همان رویه قبل به دست افراد جدید بازتولید نشود. آن معیارها اصالت دارند تا بتوانند اقتصاد سیاسی بدیل را رقم بزنند.

بله، و نکته خیلی مهم این است که متأسفانه بخشی از نهادهای اداری و رسمی کشور و حتی نهادهای کاملاً دمکراتیک کشور که مظهر این نمایندگی هستند، در سال‌های گذشته به دست همان آدم‌های نظام منافع پیشین پشتیبانی‌هایی